

## **The manner oversees of the president to ministers performance**

### Abstract

According to the constitution, the president is accountable to the people and the parliament. Therefore, in order to perform its duty, it must have the authority to supervise its subset (the Council of Ministers). The president oversees the cabinet in two direct and indirect ways. In direct supervision the President, as head of his subdivision, he has hierarchical and custodial supervision and may thus supervise their work by making decisions such as warning, dismissing, or reprimanding the Minister, it can also directly review the approvals and regulations of the Cabinet and amend or repeal them. Indirect supervision of the President by the Cabinet is carried out through the offices and inspection bodies, the Administrative Violations Board, and his deputies, in addition, performance guarantees are provided by law for the responsibility of ministers. Supervision through offices and inspection bodies, the Board for Investigation of Administrative Violations, its deputies were indirect, in addition, performance guarantees are provided by law for the responsibility of ministers. What is examined in this study is the study of the President's oversight of the performance of ministers.

Keywords: oversight, direct oversight, indirect oversight, president, ministers.

**شیوه نظارت رییس جمهور بر عملکرد وزرا**احمد زندی<sup>۱</sup>خیرالله پروین<sup>۲</sup>محمد حسن حبیبی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۹

**چکیده**

به موجب قانون اساسی رییس جمهور در مقابل مردم و مجلس مسئول و پاسخگوست. بنابراین باید برای انجام وظیفه خود اختیار نظارت بر زیر مجموعه خود (هیات وزیران) را داشته باشد. نظارت رییس جمهور بر هیات وزیران به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم صورت می‌گیرد. در نظارت مستقیم رییس جمهور به عنوان رییس بر زیر مجموعه خود نظارت سلسله مراتبی و قیمومی دارد و می‌تواند از این طریق با اعمال تصمیماتی از قبیل تذکر، عزل، یا توبیخ وزیر بر کار آن‌ها نظارت داشته باشد، همچنین می‌تواند به صورت مستقیم مصوبات و آیین‌نامه‌های هیات دولت را مورد بررسی قرار دهد و به اصلاح و یا لغو آن‌ها مبادرت ورزد. نظارت غیر مستقیم رییس جمهور بر هیات دولت از طریق دفاتر و نهادهای بازرسی، هیات رسیدگی به تخلفات اداری، معاونت‌های خود صورت می‌گیرد و علاوه بر آن ضمانت‌اجراهایی نیز توسط قانون برای مسیولیت وزیران در نظر گرفته شده است. نظارت از طریق دفاتر و نهادهای بازرسی، هیات رسیدگی به تخلفات اداری، معاونت‌های خود غیرمستقیم بوده و علاوه بر آن ضمانت‌اجراهایی نیز توسط قانون برای مسیولیت وزیران در نظر گرفته شده است. آنچه در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد مطالعه نظارت رییس جمهور بر عملکرد وزرا است.

واژگان کلیدی: نظارت، نظارت مستقیم، نظارت غیر مستقیم، رییس جمهور، وزرا.

<sup>۱</sup>گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، شعبه قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، هرمزگان، ایران. [ahmadzandii1348@gmail.com](mailto:ahmadzandii1348@gmail.com)

<sup>۲</sup>گروه حقوق عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. [khparvin@ut.ac.ir](mailto:khparvin@ut.ac.ir)

<sup>۳</sup>گروه حقوق عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. [Dr.mhhabibi@gmail.com](mailto:Dr.mhhabibi@gmail.com)

رئیس جمهور به عنوان مدیر اجرایی کشور بر کارکنان سازمانهای اداری نظارت دارد و وظیفه سازماندهی آنها بر عهده دارد و باید امور آنها را هماهنگ کند. به همین خاطر، برای انجام هر چه بهتر این وظایف باید بر تمامی امور وزارتخانه ها نظارت داشته باشد. رئیس جمهور نه تنها در سلسله مراتب اداری برتر از وزیران است بلکه از نظر سیاسی هم در مرتبه ای بالاتر از وزیران است چرا که انتخاب و عزل وزیران با رئیس جمهور است و مقام صالح برای دریافت استعفای وزیران و هیات وزیران هم شخص رئیس جمهور است. مهم تر از همه اینکه مطابق اصل ۱۳۷ قانون اساسی، هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خود در برابر رئیس جمهور می باشند و برای همین اگر برخلاف نظر رئیس جمهور عمل کنند موجبات مسئولیت و حتی برکناری وی توسط رئیس جمهور فراهم می گردد. بنابراین از این منظر وزیران باید در اداره امور وزارتخانه ها تابع نظر رئیس جمهور باشند و تصمیمات خود را موافق با نظر رئیس جمهور اتخاذ نمایند در واقع از این منظر نظارت و برتری سلسله مراتب رئیس جمهور در همه موارد محرز است. روش دیگر نظارت رئیس جمهور بر هیات وزیران نظارت قیمومتی است در این روش رئیس جمهور صلاحیت تصمیم گیری را به وزارتخانه میدهد و نظارت خفیفی نیز بر آنها خواهد داشت. ضمانت اجرای نظارت بر کار وزیران عزل آنان می باشد که قانون اساسی به عنوان حق رئیس جمهور مقرر داشته است. رئیس جمهور وزراء را تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می نماید. از آنجا که انتخاب وزیر قاعداً با قبول برنامه های رئیس جمهور صورت میگیرد و از طرفی رئیس جمهور حق عزل هر یک از وزراء را دارد. لذا برای تحقق هماهنگی وزیر با رئیس جمهور عملاً چنین حقی وجود دارد. نظارت غیرمستقیم رییس جمهور از طریق نهادها و سازمانهای زیر نظر خود صورت می گیرد. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور یکی از این سازمانها است که با برنامه ریزی و نظارت مستمر بر کارایی و عملکرد دستگاههای اجرایی و وزارتخانه ها بر آنها نظارت می کند. موضوع نظارت ریس جمهور بر اعمال هیات وزیران و مسئولیت آن در نظام حقوقی ایران به شیوه ای که نگارنده در نظر دارد به آن پردازد مورد پژوهش واقع نشده است، لذا مطالب مشابه و مرتبط توسط اساتید و حقوق دانان عالی مقام به شرح مختصر آتی مورد واکاوی و تدقیق قرار گرفته است مثل این موارد:

نظارت تقنینی ذیل اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی به ریس مجلس شورای اسلامی واگذار شده است. مصوبه هیات وزیران، همزمان با ابلاغ به دستگاه ها باید به اطلاع ریس مجلس برسد. آنچه حائز اهمیت است دامنه اختیار ریس مجلس و سازوکار این نوع نظارت بر مصوبات مذکور است. سوال اصلی در این زمینه این است که در صورت ایراد اشکال از جانب رئیس مجلس بر مصوبه و عدم اصلاح آن توسط هیات وزیران، پس از گذشت مهلت قانونی، آیا مصوبه مورد ایراد ملغی الاثر خواهد شد؟

نحوه نظارت حقوقی بر اعمال حکومت با بررسی کارکردهای قانونگذاری و نظارتی اصول ۷۱، ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی موضوعیست که توسط دکترین حقوقی داخلی مطرح و تحت بررسی قرار گرفته است. امروزه حقوق اساسی با تفکر حفظ و اعمال دموکراسی بر مبنای اصول قانون اساسی، تفوقی برای هیچیک از قوا نسبت به دیگری قائل نمی باشد و بر تعادل و یا به عبارتی استقلال قوا تاکید دارد. بنابراین نحوه ارتباط این سه قوه با یکدیگر، میزان اختیارات و صلاحیت های هر یک از آنها و در واقع تعادل قوا در کنار تفکیک قوا با بررسی ساختار نظارتی موجود در قانون اساسی از مباحث قابل تامل در حوزه حقوق عمومی می باشد و نظارت حقوقی یکی از مهمترین اقسام نظارت در حقوق عمومی به منظور بررسی حیطه اختیارات و قملرو قوا است (حسینی، ۱۳۹۳).

فرضیه‌هایی که در این تحقیق درصدد بررسی آنها هستیم شامل این موارد هستند: ۱- رئیس جمهور مستقیماً بر اعمال و رفتار هیات وزیران نظارت دارد و در برابر مجلس، مسئول اقدامات هیات وزیران است و ۲- در حقوق موضوعه ایران نحوه نظارت و انواع آن دیده شده است. برای آن که در موضوع این پژوهش به نتیجه برسیم لازم است و از آنجا که شیوه به کارگرفته شده در این پژوهش تحلیلی- توصیفی است از روش، ابزار یا نرم افزار خاصی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده نمی‌شود. روش کتابخانه‌ای است. پژوهش حاضر پژوهشی کاربردی - توصیفی است. یافته‌های پژوهش عملی معمولاً برای اهداف عملی مانند ارائه پیشنهادهایی برای خط‌مشی‌های جدید، بهتر کردن کاربست‌ها و راه روش‌ها و یا گسترش شناخت از یک موقعیت خاص بکار می‌روند. هدف این نوع پژوهش حل مشکلی از مشکلات انسان‌ها و افزایش رفاه اجتماعی است روش گردآوری داده‌ها در تحقیق حاضر در ابتدا با استفاده از کتاب‌ها قوانین، مقالات، پایان‌نامه‌ها و مطالب جمع‌آوری شده در اینترنت اقدام به جمع‌بندی اطلاعات در این زمینه انجام شده است.

## ۲- مفاهیم نظری

نظارت در لغت به معنای نظرکردن و نگرستن به چیزی، مراقبت و در تحت نظر و دیده بانی داشتن کاری، نگرانی، دیده بانی به سوی چیزی و مباشرت معنا کرده است (دهخدا، ۱۳۴۶، ص ۶۰۲). نظارت، حق یا حکمی است که به موجب آن، شخص می‌تواند از جریان امور آگاهی یابد و در محدوده اختیارات مشروع خویش به اعمال نظر بپردازد (پیشه فرد، ۱۳۸۶، ص ۱۹۸). نظارت فرآیندی برنامه‌ریزی شده است که طی آن مجموعه اطلاعات مربوط به عملکرد یک مجموعه یا نظام جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد تا میزان انطباق یا مغایرت عملکرد باهدف‌ها، برنامه‌ها، قانون‌ها و نرم‌ها و ضابطه‌های حاکم بر آن مجموعه تشخیص داده شود و در نهایت پیشنهاد‌های لازم برای حذف مغایرت‌ها و اصلاح عملکرد یا برنامه ارائه گردد (رمضان پور، ۱۳۸۷، ص ۱۵). تعریف‌های گوناگونی از نظارت در علوم مختلف شده که در همه آنها یک نقطه اشتراک وجود دارد و آن اینکه نظارت عبارتست از مقایسه بین آنچه هست و آنچه باید باشد (دلآوری، ۱۳۸۱، ص ۱۲). یکی از ارکان مهم و حیاتی در یک مدیریت سالم و کارآمد وجود نظام کامل و دقیق برای نظارت و کنترل است. هدف نظارت و کنترل اصلاح و بهبود است و اگر این ویژگی در نظام کنترلی موجود نباشد، سیستم دوام چندانی نخواهد داشت. اقسام نظارت بدین ترتیب می‌باشند: نظارت قضایی، نظارت پارلمانی، نظارت اداری، نظارت سیاسی (الف: نظارت سیاسی سازمان یافته و ب: نظارت از طریق افکار عمومی)، نظارت استطلاعی، نظارت استصوابی، نظارت آشکار (مستقیم و غیر مستقیم)، نظارت پنهان، نظارت رسمی و غیر رسمی و نظارت فردی و جمعی.

مبانی نظارت در اسلام اصول کلی هستند که مسائل هر رشته بر آنها بنا نهاده می‌شود. و از آنجا که در دین مقدس اسلام نظارت دارای پشتوانه بسیار قوی است و می‌توان نظام نظارتی جامع و کاملی را از منابع دینی استخراج کرد؛ لذا با توجه به مفهوم مبانی و پشتوانه دار بودن نظارت از آموزه‌های دینی، مبانی نظارت همان اصول و مبناهایی هستند که نظارت بر آنها استوار گردیده و به دو دسته عقلی و نقلی تقسیم می‌شوند. اگرچه در کتاب الهی بحث مستقلی از مقوله نظارت نشده است اما می‌توان آن را در لابه لای بسیاری از آیات مشاهده کرد. سه دسته آیات را می‌توان این گونه دید:

-آیاتی که به مبانی نظارت، مثل برابری همگان در برابر قانون پرداخته و حاکمان را نیز از این قاعده مستثنی نمیدانند مثل آیه شریفه «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبایل لتعارفوا ان اکرکم عند الله اتقاکم» (حجرات، آیه ۱۳) و نیز آیاتی که قدرت را امانت الهی میداند که خدا به افراد خاصی واگذار کرده و چنین افرادی باید به مقتضای امانت با آن رفتار کنند و بر اساس قانون الهی و به دور از هوی و میل شخصی رفتار نمایند و همچون آیه «یا داوود انا جعلناکم خلیفه فی الارض، فاحکم بین الناس بالحق و لا تتبع الهوی».

-آیاتی که به فراهم آوردن وسایل، پرهیز دادن حاکمان به سوء استفاده از قدرت پرداخته اند که تعدادشان بسیار است و شامل سه دسته اند:

۱-آیاتی که به عدالت ورزی توجه دارد و این امر را از حاکمان مطالبه می‌کنند(مائده، آیه ۸).

۲-آیاتی که به نکوهش ظلم، ظلم ستیزی و عدم اطاعت از ظالمان توصیه می‌کند(هود، آیه ۳۵).

۳-آیاتی که ناپایداری دنیا و لذتش را یادآوری کرده و آخرت را بهتر و پایدارتر می‌داند(حدید، آیه ۲۰)

این سه قسم آیات خواهند توانست بستر ارتکاب جرم و سوء استفاده حاکم را کاهش داده و در راس نظام مندی حاکمان تلقی گردد.

-آیاتی که حتی به راهکارهای نظارتی پرداخته؛ راهکارهایی همچون: امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران، آیه ۱۰۴)، شورا(آل عمران، آیه ۱۵۹)، بیعت (توبه، آیه ۱۱۱) و نیز مولفه‌ها و خصوصیات حاکم مناسب (بقره، آیه ۱۲۴).

مجموع گفتار و رفتار پیغمبر و امامان هم منبعی ارزنده برای شناخت احکام و تعالیم اسلامی است که آن را «سنت و سیره» می‌نامند و پس از کتاب خدا (قرآن) مورد استناد احکام دینی است (جعفری، ۱۳۶۹، ص ۳۲۲). روش و سیره پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) در دوران حکومت اسلامی و گفتار و کلمات ائمه اطهار (ع) در مسئله نظارت بر امور مختلف، اعم از: شرایط انتصاب و انتخاب گارگزاران و گماشتن مراقب بر چگونگی اعمال و رفتارشان، خبرگیری و کسب اطلاعات از اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه از طرق مختلف، گویای نظارت و کنترل دقیق بر امور مملکت و فعالیت زمامداران است که در روایات زیادی سیره عملی و کلامی آنها بیان شده است (معصومی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۳). چنانکه حضرت امام رضا (ع) در مورد سیره نظارتی پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «ان رسول الله(ص) اذا وجه جیشا فامهم امیر بعث معه من ثقاته من یتجسس له خبره» (العاملی، ۱۹۵۲، ص ۴۴).

منظور از مبانی عقلی، مبناهایی است که حاصل عقل انسان و یا نیروی اندیشه و تفکر و تعقل او می‌باشد و متکی بر استدلال و برهان است (جمشیدی، ۱۳۸۹، ص ۱۶). نظارت و راهکارهای آن نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد و می‌تواند حاصل عقل انسان باشد چون که خرد انسان همواره به زشتی هرج و مرج و فتنه و وجوب و اقامه نظام و حفظ مصالح عمومی جامعه و گسترش معروف و رفع ظلم و فساد، بدون هیچگونه

درنگ حکم می کند (منتظری، ۱۳۷۶، ص ۲۸۳). بنابراین عقل وجود هر نوع هرج و مرج در جامعه، و فساد صاحبان قدرت را قبیح و زشت می داند و از آنجا که ممکن است در همه کارها و شغلها (چه خصوصی و چه دولتی) افراد خطاکار و متقلب وجود داشته باشند، از نظر عقلی هم نظارت بر تلاشها و عملکردها، برای آسیب شناسی و مواجهه با خطاها، لازم، خوب و مفید است (ایزدهی، ۱۳۹۰، ص ۵۹).

### ۳- نظارت بر تشکیل هیأت وزیران

در نظام تفکیک قوا، قوه مجریه با در نظر داشتن بیشترین امکانات، قسمت اعظم قدرت زمامداری را اعمال می نماید. به همین خاطر، امکان بروز خطر ناشی از این قدرت بر علیه حقوق و آزادیهای مردم، فراوان می باشد. فلسفه تفکیک قوا، مبتنی بر شکستن قدرت عمومی و توزیع آن بین عوامل متعدد است تا از این طریق از بروز استبداد جلوگیری به عمل آورد (هاشمی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۸). در نظام پارلمانی، قوه مقننه با در اختیار داشتن ابزارهایی بر قوه مجریه نظارت می کند و نظارت، قدرتمندترین ابزار قوه مقننه در ارتباط با قوه مجریه است. نقش اساسی پارلمان در ارتباط با حکومت، عمل نظارت بر چگونگی فعالیتهای حکومت و کارگزاران اجرایی است (شریعت پناهی، ۱۳۸۰، ص ۵۲۰). پارلمان، در اکثر کشورهای دنیا در تعیین مقامات قوه مجریه دخالت و نظارت دارد که این امر در رژیم های مختلف سیاسی متفاوت می باشد. در مورد ارتباط پارلمان با رئیس کشور، دو وضعیت متفاوت در رژیمهای پارلمانی و ریاستی وجود دارد. در رژیم ریاستی، چون رئیس کشور به طور مستقیم توسط مردم انتخاب می شود و قاعده تفکیک کامل قوا جاری است، پارلمان اختیارات چندانی در انتصاب این مقام ندارد و به این خاطر، رئیس جمهور در برابر پارلمان، مسؤولیت سیاسی ندارد اما در رژیم های پارلمانی، قوه مجریه همانطور که گفته شد، از دو رکن رئیس کشور و رئیس دولت تشکیل شده است. در مورد انتصاب وزیران و نقش پارلمان در این خصوص هم بین دو رژیم پارلمانی و ریاستی تفاوت وجود دارد. در رژیم ریاستی، وزیران برگزیده رئیس جمهور هستند و در برابر وی مسؤول هستند و در نتیجه پارلمان، در انتصاب آنان نقش زیادی ندارد. بر عکس، در نظام پارلمانی استقرار نخست وزیر و وزیران، منوط به موافقت پارلمان است و اعضای هیأت وزیران در برابر پارلمان، مسؤولیت سیاسی دارند (شریعت پناهی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۸). در ایران هم مجلس شورای اسلامی از طرق مختلف بر قوه مجریه، یعنی رئیس جمهور و هیأت وزیران، نظارت دارد. اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بیان روابط قوا، بیشتر متمایل به نظام پارلمانی میباشد و ضمن اینکه زمینه های همکاری قوا را فراهم می کند، اقتدار و نفوذ قوه مقننه بر قوه مجریه را به نحو چشمگیری نمایان می سازد (هاشمی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۸). مجلس شورای اسلامی، نظارتهای گوناگونی را بر اعضای قوه مجریه یعنی رئیس جمهور به عنوان رئیس هیأت وزیران و وزیران، به عنوان اعضای تشکیل دهنده هیأت وزیران، اعمال می کند که آنها عبارتند از: ۱- نظارت بر تشکیل دولت، ۲- نظارت اطلاعاتی، ۳- نظارت استصوابی (نظارت بر معاهدات و قرار دادهای بین المللی، نظارت بر تغییر خطوط مرزی، نظارت بر برقراری حالت فوق العاده و محدودیتهای ضروری، نظارت بر دادن امتیاز تشکیل شرکتها و مؤسسات به خارجیان و نظارت بر صلح دعاوی مالی دولت و یا ارجاع آن به داوری)، ۴- نظارت مالی و ۵- نظارت سیاسی.

#### ۴- نظارت بر تصمیمات و اقدامات اداری وزیران

مقامات و نهادها در نظامهای مدرن حقوق اساسی اصولاً از سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه تشکیل میشود. قوای مذکور، کارکردهای اولیه و اصلی حکومت را انجام میدهند یعنی وضع قانون، اجراء و رفع اختلاف یا تعقیب و مجازات مجرم بر اساس قانون. به هر حال یک مقام یا نهاد حکومتی، عملی انجام میدهد و سپس نوبت نظارت و کنترل آن عمل فرا می رسد در این سیر نظارت رئیس جمهور در برگیرنده یک فرآیند و فعالیت مستمر به منظور تحقق نظام اداری کارآمد بوده و به موجب این اقدام اعمال حقوقی وزارتخانه‌ها باید در جهت قانون باشد تا هیچ سازمان و مامور اداری از حدود صلاحیتها و اختیارات اعطائی خارج نشود.

#### ۴-۱ تصمیمات و اقدامات اداری وزیران

تصمیمات در لغت به معنای اراده کردن و قصد کاری داشتن آمده است که فی حد ذاته، امری درونی و نفسانی بوده و در این مرحله عموماً ملموس، در نتیجه واجد اثری نیست و با معانی و مفاهیم تصمیمات در اصطلاح حقوق و آثار مترتب بر آن تفاوت بسیار دارد. زیرا تصمیمات مورد نظر علم حقوق، بدون استثناء ایجاد رابطه حق و تکلیف میکند و دارای اثرات حقوقی گوناگون می باشد (صدرالحفاظی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۳). در حقوق عمومی، تصمیمات وزرا اساس روابط حقوقی دولت را تشکیل می دهد زیرا دولت حاکمیت دارد و در بسیاری از موارد، اراده او به تنهایی برای ایجاد وضع حقوقی کافی است؛ در صورتی که در حقوق خصوصی، قرارداد اصل کلی روابط حقوقی محسوب می شود (طباطبائی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۷). بنابراین «تصمیمات اداری مانند هر عمل حقوقی، اعمال ارادی است که با قصد و انشاء و به منظور ایجاد یک وضع حقوقی بین اشخاص یا اصلاح یا لغو یک وضع حقوقی موجود میان آنها صورت می گیرد و منشاء حق و تکلیف له یا علیه آنها می شود.» (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۶). تصمیمات اداری وزیران معمولاً بر دو قسمند: برخی از آنها به صورت عام و غیر شخصی است. عام به این معنی است که حکم آنها شامل همه افراد و یا گروهی از افراد است و همه آنها از نظر قانون برابرند و غیرشخصی به این معنی است که آن حکم، ناظر بر وضع حقوقی معینی است نه شخص معین. به عبارت دیگر، حکم مزبور شامل یک وضع حقوقی یعنی یک رابطه حقوقی بین گروهی از افراد است، به گونه ای که هرکس در آن قالب قرار گیرد مشمول آن شناخته می شود و برخی دیگر، به صورت اعمال اداری انفرادی و شخصی است که ناظر بر شخص یا اشخاص معینی است (مدنی، ۱۳۸۹، ص ۴۰).

منظور از اقدامات اداری به مجموعه عملیاتی گفته می شود که برای تهیه مقدمات تصمیمات اداری یا اجرای آنها لازم می شود. حال وزیران ممکن است که در این راستا اقدام به انجام یک عمل اداری کنند که ابتدائاً بایستی گفت اقدامات وزیران بر دو قسم است: ۱- اعمال مادی یا مقدماتی که منشاء آثار حقوقی نیستند، و تصمیمات مستقل لازم الاجرائی را تشکیل نمی دهند، بلکه مقدمات آغاز تصمیم گیری حقوقی اداره را فراهم می آورند. مانند طرح ها و برنامه ها، پیشنهادها، آرا و نظرهای مشورتی و بررسی های مقدماتی. ۲- اعمال اجرائی وزیران که به منظور اجرا و تحقق بخشیدن به تصمیمات حقوقی اداره انجام می شود. مانند توقیف روزنامه یا مجله، بستن محل کسب، قطع آب و برق مشترکان خاطی، ضبط اموال و مهر و موم کردن آنها و جلوگیری از فرار بزهکاران (امامی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۲۷۷). ۳- در هر حال اعمال مادی و اجرائی خارج از حقوق نیستند و از لحاظ حفظ حقوق افراد، نمی توان نسبت به آنها بی اعتنا بود. این دسته از اعمال اداری از لحاظ صلاحیت ماموران و نحوه عمل آنها، تابع

تشریفات خاصی است و اشخاص ذی نفع می توانند در صورت عدم رعایت آنها به دیوان عدالت اداری شکایت کنند (طباطبائی، ۱۳۸۲، ص ۳۲۴).

#### ۵- مرجع نظارت بر رفتار حرفه ای نمایندگان

منظور از مرجع نظارت بر رفتار نمایندگان، نهادی است که بر نحوه اجرای قواعد رفتار پارلمانی نظارت داشته و در صورت عدم اجرای صحیح آنها، به این مسأله رسیدگی کرده و ضمانت اجرای مناسب را اعمال می نمایند. عنوان مرجع نظارت صرفاً بر نهاد رسیدگی کند، به نقض قواعد رفتاری و با نهاد اعمال کننده ضمانت اجرا صدق نمی کند، بلکه نهاد حافظ اطلاعات مالی نمایندگان و مشاور نمایندگان در خصوص اجرای صحیح قواعد رفتاری و تفسیر این قواعدی را هم در بر می گیرد. باید گفت، تفکیک میان صلاحیت نظارت بر نحوه اجرای قواعد رفتاری که اعم از مشاوره و تحقیق و تفحص در خصوص وقوع نقض قواعد است از یک سو و صلاحیت رسیدگی و اعمال ضمانت اجرای تخلف از این قواعد از سوی دیگر، از آن جهت حائز اهمیت است که در گذشته اغلب میان نهادهای مشاوره دهنده به نمایندگان در مورد منافع مرتبط با موضوعات مورد بررسی با تعارض منافع و نهادهای رسیدگی کننده به نقض قواعد رفتاری این همانی قائل می شدند. چنین رویکردی، در ایالات متحده سابقه داشته و صلاحیت مشاوره و رسیدگی به یک مرجع واگذار شده بود. به عبارت دیگر، مرجع مشاور در عین حال قاضی نیز بود (بورگمن، ۲۰۰۳، ص ۱۲۲).

#### ۵-۱ مرجع برون و درون پارلمانی (نظارت بیرونی و درونی)

در این الگو، نهادی مستقل و خارج از پارلمان ایجاد می شود. این نهاد صلاحیت بررسی گزارش های اعلام منافع و هرگونه اعلام دیگر و هم چنین، صلاحیت رسیدگی به شکایات مربوط به نقض قواعد رفتار پارلمانی را بر عهده دارد. عضو یا اعضای این مرجع، ممکن است از سوی پارلمان با یکی از قوای مجریه یا قضائیه و یا با همکاری آنها، منصوب شوند. اما در هر صورت مقام مستقلی بوده و جزء اعضای پارلمان نمی باشد. لازم به ذکر است که این مرجع عمدتاً تحت عنوان کمیسر اخلاقی شناسانده می شود (راساماریت، ۲۰۰۸، ص ۲۵). برای تصور مرجع برون پارلمانی ناظر بر رفتار نمایندگان، گربه های پیش رو است. از جمله مرجعی مستقل از قوای سه گانه، مراجع قضایی و شبه قضایی. یکی از مزایای این الگو آن است که مرجع خارج از پارلمان عموماً از استقلال بیشتری نسبت به مداخله های نمایندگان با گروه های پارلمانی برخوردار است، لذا به غایت نظارت بر رفتار نمایندگان که جلب اعتماد عمومی به آن ها می باشد، نزدیک تر است. البته، اعمال نظارت توسط مرجع خارج از پارلمان خالی از ایراد نیست (راساماریت، ۲۰۰۸، ص ۲۶). شایان ذکر است که یکی از پیچیدگی ها و مسائل غامض این الگو، اعمال ضمانت اجرا بر نمایندگان خاطی است. مسأله این است که آیا یک مرجع مستقل از پارلمان، صلاحیت تحمیل ضمانت اجرا بر اعضای پارلمان که قواعد رفتاری را نقض کرده اند، دارد یا خیر؟ در این ارتباط، نظر بر این است که مرجع خارج از پارلمان چنین صلاحیتی نداشته و برای اعمال ضمانت اجرا باید بر خود نمایندگان تکیه کرد (ایبید، ص ۲۵) که معمولاً برای چنین امری کمیسیون های اخلاقی پیش بینی می کند (ایبید، ص ۲۰)، زیرا این پارلمان است که مسئول کنترل اعضای خود بوده و اصولاً مسئولیت تضمین اجرای قواعد رفتاری اعضای خود را بر عهده دارد (کمیسیون صداقت، ۲۰۱۱، ص ۲۸). در نظام حقوقی کشورمان از لحاظ نظری، با تفویض نظارت بر رفتار نمایندگان به مرجعی خارج از مجلس مخالفت شده و آن را با «استقلال قوا» که در اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی به رسمیت شناخته شده، مغایر می دانند. شاید بتوان این گفته را پذیرفت، زیرا در «استقلال قوا»، اثر پذیری



و اثرگذاری قوا بر هم دیگر که همان «نظارت» است و در مقابل «دخالت» قرار می‌گیرد، پذیرفته شده است (زنجانی، ۱۳۸۹، صص ۷۷-۷۸). لذا، اعمال نظارت بر رفتار نمایندگان از سوی نهادهای خارج از مجلس، نه تنها با استقلال قوا مغایرت نداشته، بلکه با ماهیت آن سازگار است. اما مدام اعمال این الگو از نظارت با اصل «تفکیک قوا» مابینت دارد، زیرا مطابق این اصل «پارلمان اختیار قابل توجهی برای اداره امور داخلی خود» (راساماریت، ۲۰۰۸، ص ۲۰) از جمله نظارت بر اعضایش دارد و اعمال آن توسط مرجعی غیر از پارلمان با تفکیک قوا مغایر می‌باشد.

در الگوی درون پارلمانی، کار ویژه ی نظارت بر رفتار نمایندگان به نهادهای داخل پارلمان به ویژه کمیسیون های آن سپرده می‌شود که معمولاً به طور خاص برای انجام چنین امری ایجاد می‌شوند. این کمیسیون ها به کمیسیون های اخلاقی با رفتاری موسوم هستند. البته گاهی ممکن است اعمال این نظارت به نهادهای سابق التأسیس از جمله رئیس پارلمان سپرده شود. هر چند که به نظر برخی «عملاً چنین چیزی رخ نمی‌دهد» (ایبید، ص ۲۴). در این الگو، در صورت ادعای نقض قواعد رفتاری، کمیسیون اخلاقی به آن رسیدگی کرده و در صورت لزوم، بر عضو خاطی ضمانت اجرا تحمیل می‌کند (پاور، ۲۰۰۸، ص ۲۰). گرچه در برخی موارد، ممکن است کمیسیون مذکور گزارش نقض قواعد را به یکی دیگر از کمیسیون های پارلمان و یا مستقیماً به خود پارلمان ارائه داده (هارست و پلیزو، ۲۰۰۴، ص ۱۵) و مراجع اخیر الذکر، تصمیم به اعمال ضمانت اجرا بگیرند. مزیت کلی نظارت درون پارلمانی این است که احتمال پذیرش این نظام نظارتی از سوی نمایندگان زیاد می‌باشد. زیرا نمایندگان بر چنین نظامی به دقت کنترل دارند (راساماریت، ۲۰۰۸، ص ۲۴) و نسبت به کمیسیونی که متشکل از خود آنها با همکاران شان باشد، احساس تعلق داشته و فرآیند اجرای قواعد رفتاری، از جمله رویای خود اظهاری که بیانگر مشارکت خود نمایندگان در اجرای قواعد، رفتار پارلمانی است، با کارآیی بهتری طی خواهد شد. نظام نظارت درون پارلمانی معایبی نیز دارد. در صورتی که خواست کلی اعضای پارلمان شانه خالی کردن از اجرای قواعد رفتاری باشد، آنها به راحتی قادر به چنین کاری خواهند بود و لذا ممکن است این روش نظارتی منحل شود. به علاوه، رویه همای حزبی بر نحوه ی رسیدگی این مراجع می‌تواند تأثیر گذار باشند و مسائل حساس و سرنوشت سازی در طی این موارد و یا جدال های حزبی نادیده گرفته شوند (ایبید، صص ۲۴-۲۵). از لحاظ ضمانت اجرایی نیز، انتقادهایی بر الگوی نظارت درون پارلمانی وارد است. زیرا، ضمانت اجراهای واقعی در این الگو بیشتر جنبه ی سیاسی دارد، از این قبیل که در نظام های حزبی نماینده ممکن است حمایت حزب اش را از دست دهد. بنابراین، در صورت اجرای این الگو، کارآیی چندانی را نمی‌توان از آن انتظار داشت (عامر، ۲۰۰۹، ص ۱۶۷).

#### ۶- نحوه اعمال نظارت رئیس جمهور بر وزیران

مطابق قسمتی از اصل یکصد و سی و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «ریاست هیات وزیران با رئیس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیم های وزیران و هیات دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجراء می‌کند.» رئیس جمهور و مورد تأیید مجلس بوده و به اعتبار این انتصاب و تأیید، در مقابل آنها (رئیس جمهور و مجلس) مسئول و موظفند. این وزیران، قبل از آنکه مورد تأیید مجلس قرار گیرند، با قبول سیاستهای رئیس جمهور عضویت دولت و همکاری با وی را پذیرفته اند. رئیس جمهور، برنامه سیاسی خود را در جریان کسب رأی اعتماد وزیران به تأیید مجلس رسانیده و برای اجراء در اختیار وزیران قرار می‌دهد. بنابراین، هر یک از وزیران در طول خدمت

خود، ضمن آنکه بر اساس قوانین و برنامه های مصوب مجلس عمل می کند، موظف به همکاری با رئیس جمهور و متعهد به همیاری در اجرای برنامه های دولت اوست و این عمل به رئیس جمهور حق می دهد که به موجب قانون اساسی بر تمامی مراحل و جزئیات کار وزیران نظارت نماید.

#### ۶-۱ نظارت مستقیم بر وزیران

علاوه بر نظارت رهبری، قوه مقننه و قوه قضائیه بر قوه مجریه؛ خود این قوه نیز ساز و کارهایی برای نظارت بر سازمانها و کارمندان تحت امر خود دارد. در قانون اساسی و دیگر قوانین، مسئولیت هایی برای رئیس جمهور، هیأت وزیران، وزیر و بالاترین مقام سازمانها در نظر گرفته شده است، که گستردگی این حوزه و مسئولیت ها، نظارت های درون سازمانی می طلبد. در نظام اداری ایران نظارت سلسله مراتبی وجود دارد یعنی رئیس جمهور بر کار وزیران و هیأت وزراء و هر یک از وزیران و رؤسای سازمانها بر کار افراد تحت امر خود نظارت دارند و در نهایت رئیس یک اداره کوچک نیز بر کار افراد تحت نظر خود نظارت دارد و در تمام این موارد افراد در انجام وظایف خود باید پاسخگویی مقامات بالاتر باشند و مقامات بالاتر مسئولیت کارها و وظایف افراد تحت امر خود را برعهده دارند و باید پاسخگویی رفتارها و اعمال آنها در برابر مقامات ذی صلاح باشند (علیخانی، ۱۳۸۳، ص ۱۸). رئیس جمهور ریاست هیأت وزیران را برعهده دارد به همین جهت طبق اصل ۱۳۴ قانون اساسی او در برابر مجلس مسئول اقدامات جمعی وزیران می باشد و به عنوان رئیس دولت باید در مقابل نمایندگان ملت پاسخگو باشد (علیخانی، ۱۳۸۳، ص ۱۹).

#### ۷- ضمانت اجرای نظارت بر رفتار وزرا

هدف از پیش بینی ضمانت اجرا، رعایت قواعد رفتار پارلمانی به نحو احسن است. اما همیشه احتمال عدم توجه به این قواعد و ضمانت اجرای در نظر گرفته شده برای آن وجود دارد. لذا، در صورت نقض قواعد رفتار پارلمانی، مسأله ی تحمیل ضمانت اجرا مطرح می شود. لازم به ذکر است که اکثر نظریه پردازان معتقدند، قواعد رفتاری به خودی خود نقش ارزنده ای در تعریف استانداردهای رفتاری قابل قبول، راهنمایی مقامات عمومی و تشویق آنها به نشان دادن رفتار مناسب دارند. با این وجود، اعمال نظارت کار آمد بر نمایندگان و رعایت قواعد رفتاری برای حفظ با اعدای عمومی به آنها، مستلزم وجود سازوکارهای پسینی از جمله ضمانت اجرا است و به نظر می رسد بدون ضمانت اجرا، اتخاذ روش های نظارت مالی و غیر مالی و تأسیس مراجع اعمال نظارت، کاری بس عبث خواهد بود (ایبید، صص ۲۵-۲۶).

#### ۷-۱ انواع ضمانت اجرای نظارت بر رفتار حرفه ای نمایندگان

هنگامی که وزیری متهم به نقض قواعد رفتاری می شود، دو پرسش مطرح می گردد. نخست، در صورت نقض این قواعد چه ضمانت اجرایی باید اعمال شود؟ دوم، چه کسی تصمیم به تحمیل ضمانت اجرای مربوط می گیرد؟ «در برخی از کشورها مانند آرژانتین، قواعد رفتاری که مستقیماً ناظر بر رفتار نمایندگان باشد، وجود ندارد و در عوض قوانین جزایی عمومی برای جلوگیری از رشوه خواری و سایر سوء استفاده ها از سمت های عمومی وجود دارد که در صورت ارتکاب آن ها از سوی نمایندگان، مرتین به مجازات این جرایم محکوم می شوند» (والی، ۱۹۹۹، ص ۹۸). لذا باید گفت که این نوع ضمانت اجراها، ضمانت اجراهای مندرج در قواعد رفتار پارلمانی و ناظر بر رفتار

حرفه ای نمایندگان نیستند. بلکه در این گونه موارد، نمایندگان نیز همچون سایر شهروندان در صورت ارتکاب اعمال مجرمانه مشمول مجازات خواهند بود. بنابر این موضوع بحث ما نخواهند بود.

#### ۷-۲ عدم انتخاب مجدد نماینده ی خاطی

با توجه به نظریه ی نمایندگی سیاسی که در بخش نخست ذکر آن به میان آمده نمایندگان مصون از عزل به ویژه به واسطه اقدامات قوه قضائیه هستند (راساماریت، ۲۰۰۸، ص ۲۰). اصولاً یکی از ویژگی های نمایندگی سیاسی، عزل ناپذیری نماینده در خلال دورهی نمایندگی است؛ به همین دلیل نه تنها قوه قضائیه، بلکه هیچ نهاد دیگری حتی اکثریت اعضای خود پارلمان حق عزل نماینده را ندارند، زیرا این ملت است که به نماینده مشروعیت می دهد به سایر نمایندگان. لذا عزل نماینده متخلف از قواعد رفتار حرفه ای، باید توسط رأی دهندگان به عمل آید که عملاً از طریق ساز و کار انتخابات و عام انتخاب وی در دوره ی بعد، انجام می پذیرد. این نوع ضمانت اجرا در نظام حقوقی آلمان به رسمیت شناخته شده و آینده ی سیاسی نماینده متخلف در گرو نظر رأی دهندگان است. «به این شکل که در صورتی که او را گناهکار بدانند از دادن رأی به چنین فردی در دوری بعد امتناع می کنند» (والی، ۱۹۹۹، صص ۲۱-۲۲). در سند و کد رفتاری برای اعضای پارلمان و ثبت منافع مالی، ایالت ولز جنوبی جدید نیز، به عدم انتخاب مجدد نمایندگان متخلف از قواعد رفتار حرفه ای پارلمانی تأکید شده است. هر چند، تصدیق چنین ضمانت اجرایی از لحاظ نظری صحیح است اما از لحاظ عملی، عدم انتخاب مجدد نماینده ی متخلف از قواعد رفتاری همواره قابل تصور نیست (راساماریت، ۲۰۰۸، ص ۲۰) و چه بسا نمایندگانی که علی رغم نقض این قواعد، به دلایل مختلف در دوره های بعدی هم انتخاب می شوند.

#### ۷-۳ ضمانت اجرای کیفری

مجازات عدم رعایت قواعد رفتاری اغلب دارای ماهیت انضباطی است. حتی در صورتی که نقض قواعد رفتار پارلمانی جنبه ی جرم به خود بگیرد، باز هم بیشتر ضمانت اجرای انضباطی را اعمال می نمایند و کمتر به مجازات های نقدی، حبس و ... متوسل می شوند (راساماریت، ۲۰۰۸، ص ۲۱). با این وجود در برخی از پارلمان ها، مجازات های خاصی برای «جرایم اخلاقی» در نظر گرفته اند (هالست، ۲۰۰۰، صص ۱۲۷-۱۲۸) که ماهیت کیفری دارد. در این موارد، کمیسیون های پارلمانی که برای رسیدگی و نظارت بر نحوه اجرای قواعد رفتاری مشخص شده اند، می تواند موضوع را به دادگستری ارجاع داده و در عین حال، نماینده را از حمایت های پارلمان محروم نماید. در این صورت ممکن است نمایندگان مورد تعقیب، توقیف و بازپرسی قرار گرفته و محکوم شوند. با این وجود، نتیجه بستگی به نظام دادگستری دارد و همان طور که گفته شد، غالباً منتج به پوزش عمومی، احتمالاً مجازات نقدی و حتی زندان می شود (راساماریت، ۲۰۰۸، ص ۲۱).

#### ۷-۴ ضمانت اجرای انضباطی

اغلب نقض های قواعد رفتار پارلمانی از جمله عدم ارائه ی اعلامیه های منافع به طور عمدی با درج اطلاعات نادرست در آن، تحویل فرم های اعلام منافع به طور ناقص یا گمراه کننده، بی توجهی به اخطارهای متصدی ثبت در خصوص اعلام تغییرات در منافع و شرکت در مذاکره و تصمیم گیری در مورد موضوع هایی که نماینده تعارض منافع در آن خصوص را اعلام نمود ها می تواند منجر به اقدام انضباطی شود (لوچری، ۲۰۰۳، ص ۲۱). ضمانت اجرای انضباطی ای که وجود دارند عبارتند از: «انتقاد شفاهی، نام بردن از فرد متخلف در صحن علنی به وسیله

رئیس مجلس، تویخ کتبی با درج در پرونده، .. قطع جزئی یا کلی برخی مزایا و کمک هزینه هایی که برای انجام وظایف نمایندگی در اختیار نماینده قرار می گیرد، از دست دادن ار شدیت با ریاست کمیسیون، محرومیت از شرکت در رسیدگی ها و امور مجلس در موضوعی خاص یا به طور کلی تعلیق موقت از سمت نمایندگی و در نهایت اخراج از پارلمان با سلب سمت نمایندگی (وکیلان، ۱۳۹۰، ص ۳۴) و غیره.

هیأت وزیران نهادی دسته جمعی و رکنی از ارکان قوه مجریه می باشد که دارای وظایف و مسؤولیت های مهمی در کشور است. این نهاد، از مجموعه ای از رئیس جمهور یا نخست وزیر و وزیران، به عنوان مقامات بلندپایه دولتی تشکیل می گردد و ریاست آن را رئیس جمهور و یا نخست وزیر بر عهده دارند. هیأت وزیران، رکن مسؤول، در برابر پارلمان می باشد و اعضای آن در مقابل عملکرد خود در اداره امور کشور در برابر مجلس، مسؤولیت سیاسی دارند. هیأت وزیران به عنوان رکنی از ارکان قوه مجریه دارای اهمیت حقوقی و سیاسی زیادی می باشد که وظیفه عمده آن تنظیم سیاست های کلی و خط مشی سیاست داخلی و خارجی است. رئیس جمهور نیز به عنوان عالی ترین مقام بعد رهبری و وظیفه اجرای قانون اساسی را بر عهده دارد بدین منظور دارای ابزار و اختیارات گسترده ای برای اجرای هر چه بهتر قوانین در دست دارد از جمله این ابزارها انتخاب هیأت دولت و ریاست بر آن است. از طرفی به موجب قانون اساسی رئیس جمهور در مقابل مردم و مجلس مسیول و پاسخگوست. بنابراین باید برای انجام وظیفه خود اختیار نظارت بر زیر مجموعه خود را داشته باشد. نظارت بر کار وزیران به عنوان یک وظیفه خاص در قانون اساسی برای ریاست جمهوری به عنوان ریاست هیأت وزیران به رسمیت شناخته شده است. صدر اصل ۱۳۴ قانون اساسی مقرر می دارد: «ریاست هیأت وزیران با رئیس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد» و برابر ذیل آن نیز «رئیس جمهور در برابر مجلس، مسؤل اقدامات هیأت وزیران است.» با توجه به اینکه چه نوع برداشتی از نظارت رئیس جمهور و نوع آن داشته باشیم؛ تقسیم بندی انواع نظارت متفاوت خواهد بود. به طور نمونه در نظارت اطلاعی رئیس جمهور لازم است از اقدامات و اعمال وزرا اطلاع پیدا کند اما در نظارت استطلاعی اقدام یا اعمال وزرا نیاز به تصویب رئیس جمهور دارد. نظارت سلسله مراتبی هم در راستای جایگاه برتر رئیس دولت بوده و در این راستا رئیس جمهور دارای صلاحیت نظارت نیز می باشد. اما در نظارت قیمومتی رئیس جمهور به صورت خفیف بر اعمال وزیران نظارت دارد. نظارت رئیس جمهور بر هیأت وزیران به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم صورت می گیرد. در نظارت مستقیم رئیس جمهور به عنوان رئیس بر زیر مجموعه خود نظارت سلسله مراتبی و قیمومتی دارد و می تواند از این طریق با اعمال تصمیماتی از قبیل تذکر، عزل، یا توبیخ وزیر بر کار آن ها نظارت داشته باشد، همچنین می تواند به صورت مستقیم مصوبات و آیین نامه های هیأت دولت را مورد بررسی قرار دهد و به اصلاح و یا لغو آن ها مبادرت ورزد. نظارت غیر مستقیم رئیس جمهور بر هیأت دولت از طریق دفاتر و نهادهای بازرسی، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری، معاونت های خود صورت می گیرد و علاوه بر آن ضمانت اجرایی نیز توسط قانون برای مسؤلیت وزیران در نظر گرفته شده است. روش دیگر نظارت رئیس جمهور بر هیأت وزیران نظارت قیمومتی است در این روش رئیس جمهور صلاحیت تصمیم گیری را به وزارتخانه می دهد و نظارت خفیفی نیز بر آنها خواهد داشت. از لوازم اصل نظارت، بررسی وضع وزارتخانه ها در اجرای صحیح برنامه و بودجه دولت و سیاستها و خط مشی های تعیین شده قبلی است. در این صورت رئیس جمهور با استفاده از امکانات قانونی خود، کار وزیران را مورد ارزیابی قرار می دهد. طبعاً وزرا و دستگاههای اجرایی تحت تصدی آنها موظف به همکاری هستند. در صورت مشاهده سستی در اجرای برنامه ها و یا امری که نظارت هماهنگ دولت را تضعیف و یا مختل نماید، برای رئیس جمهور حق مواخذه و ارائه تعلیمات لازم به وزیر، برای اصلاح مواضع و جلوگیری از انحرافات وجود خواهد داشت. ضمانت اجرای نظارت بر کار وزیران عزل آنان میباشد که قانون اساسی به عنوان حق رئیس جمهور مقرر داشته است. رئیس جمهور وزراء را تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی مینماید. از آنجا که انتخاب وزیر قاعداً با قبول

برنامه های رئیس جمهور صورت میگیرد و از طرفی رئیس جمهور حق عزل هر یک از وزراء را دارد. لذا برای تحقق هماهنگی وزیر با رئیس جمهور عملاً چنین حقی وجود دارد. با توجه به همه مطالبی که در این تحقیق، در مورد نظارت هیأت وزیران و ارزش حقوقی مصوبات آن، بیان گردید میتوان گفت که هنوز در ایران جایگاه و موقعیت حقوقی هیأت وزیران و ارزش حقوقی مصوبات آن به طور دقیق معین نشده است و میزان اقتدار مقاماتی چون، رئیس کشور، رئیس دولت و همچنین نهادی مانند پارلمان، بر هیأت وزیران، نامعلوم است. در این خصوص باید گفت که اگر چه در قانون اساسی و قوانین عادی، حدود اختیار این مقامات معین شده است اما در عمل عملکرد آنان در رابطه با هیأت وزیران، بسیار متفاوت از آنچه که در قوانین مختلف مقرر شده است می باشد.

- العالمی، محمد بن الحسن الحر (۱۹۵۲). *وسائل الشیعه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱۱.
- امامی محمد و دیگران (۱۳۹۱). *ضوابط دعاوی قابل طرح در دیوان عدالت اداری*، تهران: نشر میزان.
- ایزدهی، سید سجاد (۱۳۹۰). *مبانی فقهی نظارت بر قدرت از دیدگاه امام خمینی*، تهران: چاپ و نشر عروج، چاپ اول.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۶۹). *حکمت اصول سیاسی اسلام*، قم: بنیاد نهج البلاغه.
- جعفرپیشه فرد، مصطفی (۱۳۸۶). "مقتضای اصل نظارت"، شماره ۴۵، ص ۱۹۸.
- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۹). *نگرشی بر مبانی عقلی اندیشه سیاسی در اسلام*، جزوه کلاسی.
- حسینی، فرزاد (۱۳۹۳). "نظارت بر قدرت و مهار آن در نظریه ولایت مطلقه فقیه"، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد.
- دلاوری، رضا (۱۳۸۱). "نظارت بر قدرت از دیدگاه قرآن"، *مجله علوم سیاسی*، شماره ۱۹، ص ۱۲.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۶). *لغت نامه*، تهران: چاپ دانشگاه تهران، جلد ۴۸.
- رمضانپور نرگسی، محمود (۱۳۸۷). *مبانی نظارت و بازرسی*، تهران: نشر پلک، چاپ اول.
- صدرالحفاظی، سید نصرالله (۱۳۷۲). *نظارت قضائی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری*، تهران: نشر شهریار.
- طباطبایی موتمنی، منوچهر (۱۳۸۲). *مساله نظارت و کنترل در دستگاه اداری*، تهران: نشریه دانشکده حقوق، شماره ۱۷.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹). *تفکیک یا استقلال قوا*، در حقوق در پرتو و نظریه و کارکرد، زیر نظر عباسعلی کدخدایی، تهران: جنگل، جاودانه.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۳). "نظارت در جمهوری اسلامی ایران"، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق*، شماره ۲۳، ص ۱۸.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۰). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، تهران: میزان.
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۹). *حقوق اداری*، جلد دوم، تهران: انتشارات جنگل.
- محمدی، حسین (۱۳۸۴). "مبانی فلسفی و فقهی نظارت در قانون اساسی"، *فصلنامه حکمت رضوی*، شماره ۳.
- معصومی، سید حسین (۱۳۸۵). *نظارت و کنترل از دیدگاه اسلام*، تهران: نشر سروش هدایت، چاپ اول.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۶). *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، تهران: انتشارات کیهان و نشر تفکر، ج ۲.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۷۹). *بازنگری در قانون اساسی*، *مجله تحقیقات حقوقی*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۸.
- وکیلان، حسن (۱۳۹۰). *نظارت بر رفتار نمایندگان*، گزارش کارشناسی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات حقوقی.

Amer, Mildred (2009). *Enforcement of Congressional Rules of Conduct: An Historical Overview Congress of the U.S: Committees, Rules and Procedures*, Edited by: Sela G. Thomason, New York: Nova Science Publishers, Inc.

Burgmann, Meredith (2003). *Constructing Codes: Pitfalls and Challenges*, In: *Ethics and political practice: perspectives on legislative ethics*, Edited by: Noel Preston and Charles Sampford, London: The Federation Press, Routledge.

Hulst, Marc Van Der (2000). *The Parliamentary Mandate: A Global Comparative Study*, Geneva: InterParliamentary Union.

Integrity Commission (2011). *Codes of Conduct for Members of Parliament, Ministers and Ministerial Staff in Tasmania, Tasmania, Report of Integrity Commission for Parliament.*

Lochrie, James (2003). *Meeting Procedures: Parliamentary Law and Rules of Order for the 21st Century*, Lanham: Maryland and Oxford, The Scarecrow Press.

Power, Greg (2008). *Establishing standards of parliamentary conduct: an overview of issues relating to codes of conduct for parliamentarians.*

Rathamarit, Niyom, and Colleagues (2008). *Codes of Conduct for Parliamentarians (A Comparative Study)*, Bangkok: King Prajadhipok's Institute.

Stapenhurst, Rick, and Pelizzo, Riccardo (2004). *Legislative Ethics and Codes of Conduct*, Washington, D.C: World Bank Institute.

Whaley, J (1999). *Legislative ethics, legislative research series*, Washington D, C: National Democratic Institution for International Affairs, p98.